

بررسی مهم‌ترین تکانه‌های فردی بزه‌کاری

از دیدگاه قرآن و روایات و برخی راه‌های پیشگیری از آنها

۴ | بررسی مهم‌ترین تکانه‌های فردی بزه‌کاری از دیدگاه قرآن و روایات و برخی راه‌های پیشگیری از آنها

* ماشاله کریمی *

چکیده

از دیر باز تا کنون نظریات جرم‌شناسی گونه‌گونی از دیدگاه مکاتب جرم-شناسی، پیرامون علل فردی اراده شده‌اند؛ اما آن چنان‌که باید و شاید، نتوانسته‌اند مشکل جرم و بزه‌کاری جوامع بشری را چاره کنند. دلیل این امر نشاختن درست ماهیت انسان است؛ زیرا که از دیدگاه دینی سرشت انسان‌ها مرکب از ماده و معنا است. از این رو برای چاره‌اندیشی بزه در بُعد فردی باید ریشه‌های این امر را به درستی در وجود انسان‌ها شناخت و سپس داروهایی را برای درمان آن تجویز نمود. بر این پایه، برای شناخت ریشه‌های فردی جرم به ناچار باید از آموزه‌های مترقی جرم‌شناسی قرآن کریم که انعکاس فرموده‌های خالق و سازنده انسان است - که برای هدایت و چگونه زیستن انسان نازل شده است- و در سایه آن، از روایت معصومین بهره برد؛ چرا که آموزه‌های یادشده، بهتر از هر نظریه جرم-شناسی، ریشه‌های فردی جرم را تشریح و برای آن راه‌کارهایی مناسب ارائه داده است، که بی‌توجهی به آنها سبب پیچیدگی این معضل در اجتماعات بشری شده است. لذا در این مقاله تلاش شده است تا با متوجه ساختن افکار جمعی به آموزه‌های دینی که تنها راه پیش روی بشریت است، راه‌کارهای مؤثرتر و بهتر پیش‌گیری از بزه‌کاری فردی، بر پایه جرم‌شناسی قرآن و روایات، مورد بازخوانی و بررسی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: جرم، تکانه‌های فردی، تقویت آموزه‌های دینی، پیش‌گیری از جرم.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱/۲۷

* استادیار گروه حقوق دانشگاه آیت العظمی بروجردی (ره) (karimi_br۰۰۳@yahoo.com).

۱. مقدمه

نگاه جرم شناسانه دین که در پوششی سخت گیرانه نسبت به جرایم ظاهر شده است، به نوعی نشان دهنده مبحث پیشگیری از جرم در جامعه است، که این شدت در قالب اصل بازدارندگی عمل می کند. پس ساختار ارگانیک دین به نوعی سبب بروز یک سیستم پیشگیرانه در جرم شناسی اسلامی شده است. همچنین تفاوت جوامع اسلامی و جوامع دیگر، از نظر پنداشت سخت گیرانه نسبت به جرم، به ویژه نسبت به جرائم جنسی، اخلاقی و عقیدتی می تواند این دیدگاه را تقویت کند که تأثیر دین اسلام و به خصوص جرم شناسی اسلامی می تواند دلیل اصلی این تفاوت ها باشد.

بر این اساس، روش برخورد با عوامل فردی پیدایش بزه کاری، مستلزم شناسایی درست ریشه ای این مشکل است؛ مشکلی که تا کنون نظریات ارائه شده در حوزه جرم-شناسی نتوانسته برخوردی درمان گونه با آن داشته باشد، زیرا تشخیص درست دردها، نخستین شرط چاره جویی و بیش از نیمی از درمان است. درد تشخیص ناداده را کمتر می توان ریشه کن ساخت. بی شک هرگونه ساختن بدون شناختن، تیر در تاریکی رها کردن است. از این رو برای درمان، لازم است تا بیماری درست تشخیص داده شود. در این راستا، ریشه های این بیماری در بُعد فردی از زبان خالق انسان در آئینه جرم شناسی مترقی قرآن کریم به زیبایی بیان گردیده است که با کمک روایات معصومین (ع) می-

توان ریشه‌های این بیماری را شناسایی و سپس راه‌کارها و درمان آن را نیز از همین منابع پایان‌ناپذیر استخراج و به شرح زیر بررسی نمود.

۲. بررسی مهم‌ترین تکانه‌های فردی بزه‌کاری در قرآن و روایات

ریشه‌های فردی ارتکاب بزه‌که سبب می‌شود انسان از مرحله‌ اندیشه به مرحله‌ فعل، گذار کند، بستگی به ساختار شخصیتی روانی افراد دارد؛ به گونه‌ای که از یک سو هر چه قدر ساختار شخصیتی روانی افراد بر مبنای تربیت درست باورهای دینی شکل گرفته باشد و از سوی دیگر هر چقدر شناخت افراد نسبت به ماهیت وجودی و ویژگی‌های خودشان به عنوان فرصت‌ها و چالش‌ها افزایش یابد، بر ریشه‌ها و زمینه‌های فردی بزه‌کاری، کنترل و مهار بیشتری اعمال خواهد شد، در غیر این صورت ناسازگاری و ناهماهنگی میان نیروی کنترل فرد با ریشه‌ها و زمینه‌های ارتکاب بزه، تکانه‌ای قوی برای ارتکاب گونه‌های بزه‌کاری به شمار می‌روند.

تکانه‌های یادشده به عنوان ویژگی‌های افراد، بیان‌گر حالت روانی آنان به شمار می‌رود که در برخی افراد سرچشمه و انگیزه اصلی بزه‌کاری‌های ویژه‌ای می‌باشد. اهمتکانه‌های بزه‌کاری فردی از دیدگاه قرآن و روایت در دو دسته کلی: یکی پیروی از تکانه‌های درونی و دیگری مهار نکردن غرایز بد و ناپسند، به شرح زیر جای می‌گیرد.

۱-۲. پیروی از تکانه‌های نفس اماره و هوا و هوس

نخستین مرحله احساسات، غرائز و عواطف انسان که در قرآن مجید به آن اشاره شده است و علمای اخلاق نیز قائل به آن شده‌اند، نفس اماره است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۳۷/۹) که قرآن کریم در تعریف آن بیان می‌دارد: «همانا نفس به کارهای بد امر می‌کند، مگر آن‌که پروردگارش رحم کند» (یوسف/۵۳). پس نفس یادشده سرکش است و انسان را به گناه فرمان می‌دهد و به هرسومی‌کشاند. بر این اساس، چنانچه عقل و ایمان فرد در

اثر تربیت درست به آن درجه از پختگی و قدرت دست نیافته باشد که بتواند نفس سرکش را مهار زند و آنرا رام کند، در بسیاری از موارد، تسلیم او خواهد شد و حتی در صورت درآویختن با او، در مقام مخالفت نفس سرکش، او را بر زمین کوفته و شکست خواهد داد. از این‌رو، برخی بر این باورند که سرکشی نفس و آلودگی آن به رذایل، سرچشمه همه بدبختی‌هایی است که در ادوار زندگی، گریبان‌گیر بشر بوده است؛ زیرا در صورتی که نفس اصلاح نشود و از آلودگی‌ها در امان نماند، نباید از صاحبش توقع خیر داشت و اگر چیزی هم از او سر بزند، به قول قرآن کریم، آن خیر هم به خاطر رذایل نفسانیدچار حَبَط و پایمال شدن است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ۲/۲۵۱).

پیروی از هوای نفس بدان جهت مذموم است که زمینه‌ساز انحرافات عملی، اخلاقی و اجتماعی و حتی سبب پدید آمدن بیماری‌های روانی و بدنی برای انسان می‌شود و آدمی را به وادی گمراهی، ظلم و گناه می‌کشاند.

بر این اساس هوای نفس به هر عمل و رفتار ظاهری و باطنی گفته می‌شود که در جهت مخالف خواسته و اراده خداوند متعال باشد. غفلت از یاد خدا، فراموش کردن نعمت‌ها، نیکی‌ها، حکومت و اقتدار الهی و پیروی از شیطان و شیطان صفتان، افراط و تفریط در اعمال و رفتار، برخی از مصادیق پیروی از هوای نفس می‌باشد. از این‌رو، از نگاه قرآن، انسان به دلیل هوا و هوس‌های خود و برای آن که بیش‌تر بتواند به فسق و فجور و جرم و جنایت ادامه دهد، قیامت را انکار می‌کند. (قیامت/ ۵) برخی دیگر از پیامدهای بسیار خطرناک و ناگوار هواپرستی از نگاه قرآن کریم، عبارتند از: غفلت و بی‌خبری (کهف/ ۲۸)، کفر و بی‌ایمانی (طه/ ۱۶)، انحراف از راه حق و گمراهی (ص/ ۲۶) و قصص/ ۵۰، عدم اجرای عدالت (نساء/ ۱۳۵)، سقوط انسان از مقام والا (اعراف/ ۱۷۶) و محرومیت از ولایت و نصرت حق (بقره/ ۱۲۰).

خطرناک بودن پیروی از هوا و هوس و اهمیت مهار آن و ایستادگی در برابر خواهش‌های نفسانی در سنت معصوم (ع) نیز بازتاب یافته است؛ به گونه‌ای که حضرت امیر(ع) ترسناک و هولناک‌ترین امور را فرمان‌برداری و پیروی از هوا و هوس می‌خواند؛ زیرا که انسان را از راه حق باز می‌دارد (ارفع، ۱۳۷۹، خطبه چهل و دوم نهج البلاغه، ۱۵۹) و در سخنی دیگر چنین تبعیتی را شالوده هر رنج و سرچشمه هر گمراهی می‌خواند و هشدار می‌دهد که مبادا هوس بر شما چیره آید؛ زیرا که آغاز آن، فتنه و گمراهی است و فرجامش، رنج. (شیخی، ۱۳۸۶، ۱۴/۶۶۹۰).

۲-۲. پیروی از تکانه‌های غرایز ناپسند

اهمّ غرایز نهفته در نهاد انسان که در اثر بی‌توجهی و مهار نشدن آن‌ها و فراهم شدن بستر مناسب، انسان‌ها را به سوی بزه‌کاری می‌کشاند، بخشی دیگر از ریشه‌های فردی بزه‌کاری از دیدگاه قرآن و روایت است که در پی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱. پیروی از تکانه خشم

خشم و غضب حالتی نفسانی و درونی است که آدمی را وادار به رفتارهای پرخاشگرانه و غلبه و انتقام نسبت به دیگری می‌کند. البته اصل «قوه غضب» در انسان وجود دارد و در حفظ و بقای وی نقش بسزایی ایفا می‌کند؛ اما این قوه نیز مانند سایر قوای نفسانی باید کنترل و در جهت درست از آن استفاده شود و از افراط و تفریط نسبت به آن اجتناب گردد؛ زیرا افراط در آن موجب ناکارآمدی فکر و عقل می‌شود و خطرات و خسارات جبران‌ناپذیری را در پی دارد. تفریط در آن نیز موجب جُبن و خواری می‌شود و از پیامدهای بد آن بی‌غیرتی و بی‌تفاوتی نسبت به مسؤولیت‌های فردی و اجتماعی است.

بیش‌تر آیات و روایات وارده پیرامون خشم و عصبانیت، پیش از آن که بازگو

کننده نحوه درمان باشند، جنبه پیشگیری از آن را بیان نموده‌اند؛ زیرا که دین اسلام در صدد است تا انسان‌ها، به هیچ وجه دچار خشم و غضب نشوند. درست به همین جهت قرآن کریم در آیاتی چند (آل عمران/۱۳۴-۱۳۳ و شوری/۳۷)، مسلمانان را به فرو بردن خشم و پیشگیری از آن ترغیب نموده است؛ چرا که مهار نشدن این حالت روانی از سوی انسان‌ها ممکن است پیامدهای ناگواری را به بار آورد و فرد خشمگین و عصبانی، به رفتارهای نادرستی؛ مانند: ناسزاگویی و پرخاشگری کلامی، شماتت، مسخره کردن، فاش کردن اسرار و بدگویی از دیگران تا ارتکاب قتل دست بزند.

در کلام معصوم (ع) نیز ناکارآمدی و زمین‌گیر شدن فکر و عقل انسان، فاسد شدن ایمان و وادار شدن انسان به هر عمل زشت به دلیل تسخیر شدنش در دست شیطان، از پیامدهای ناگوار مهار نشدن این حالت نفسانی برشمرده شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۶/۷۳؛ ۲۷۴/۷۲؛ کلینی، ۱۳۶۵، ۳۰۳/۲).

۲. پیروی از تکانه‌ی آز و طمع

آز و طمعیا زیاده‌خواهی از ابتدای خلقت تا کنون دامن‌گیر بشر بوده و هست؛ از این‌روی قرآن کریم زیاده‌طلبی را صفتی زشت خوانده و انسان را از گرفتار شدن به پیامدهای ناگوار آن، نهی نموده است؛ زیرا که دنبال کردن این رذیله، انسان را به ورطه محرمات و دوری از رحمت می‌کشاند و بستر را برای ستم به دیگران فراهم می‌آورد. درست به همین جهت، قرآن کریم بیماری دل‌ها را ثمره آز و طمع برشمرده است که انسان را گرفتار وسوسه‌های شیطان می‌سازد و پیامدش تجاوز از مقررات الهی و تعدی به حقوق حقه مردم است (احزاب/۳۲)؛ زیرا نهاد طمع‌کار، سیرناپذیر است و حد مرزی برای خود نمی‌شناسد (مدثر/۱۶-۱۲) پس قانونی را محترم نمی‌داند و به هر کاری که شهوت او اقتضا کند دست می‌یازد. در روایت معصوم (ع) سرچشمه گناه و ترک

اولای حضرت آدم و حوا، آزمندی معرفی شده است (قمی، ۱۴۱۴، ۴۵۸/۲). در روایتی دیگر، آز و طمع، شراب شیطان برشمرده شده است که به دست آن، دشمن خطرناک، به کام دوستان خاصش ریخته می‌شود و هر کس از این شراب مست شود، به هوش نمی‌آید تا در جهنم و عذاب الیم حق، در کنار شیطان دیده بگشاید و به هوش آید و معلومش گردد که چه بلای غیر قابل جبرانی به سرش آمده (انصاریان، ۱۳۸۶، ۸۱/۱۰). بر این اساس، آزمندیو طمع، مانع آزادگی، مقاومت و مبارزه با دشمنان شده و ایستادگی در برابر تطمیع و تهدید قدرتمندان و ثروت‌اندوزان را ناممکن می‌سازد. از دیگر پیامدهای این رذیله، آن است که فرد آزمند در برابر کج‌روی‌ها، منکرات و انحرافات سکوت می‌کند و چه بسا ریشه‌بسیاری از جرایم چون: قتل، سرقت، ارتشاء، خیانت در امانت، تصرف و غصب مال دیگران، جنگ و خشونت‌های خانوادگی و... باشد.

۳. پیروی از تکانه‌ی مال پرستی

در قرآن کریم، مال پرستی بیش از اندازه، از آن روی که سبب غفلت‌انسان از یاد خداوند متعال می‌گردد، نکوهش گردیده و انسان‌ها از روی آوردن به چنین رذیله‌ای بر حذر داشته شده‌اند. (فجر/۲۰ و منافقین/۹)؛ زیرا که مال پرستی از دیدگاه قرآن کریم، منشأ حرام‌خواری؛ مانند: خوردن مال یتیم، مال دیگر ورثه و نیز منع از انفاق در راه خدا است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۸۳/۲۰) از دیگر پیامدهای این رذیله، آلودگی به ارتکاب جرایم مالی؛ مانند: سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و ارتشاء می‌باشد.

در روایات هم این رذیله که ریشه بزه‌کاری را پدید می‌آورد، نکوهیده شده است؛ به گونه‌ای که رذیله مال پرستی چونان گرگی درنده در گله گوسفندان معرفی گردیده است (ورام، ۱۳۶۸، ۱۵۵/۱) هم‌چنین این رذیله سبب فتنه‌ها و علامت خذلان الهی و آغاز رسیدن شروبدی به انسان معرفی شده است. (آمدی، ۱۳۶۶، ۲۹۹؛ دیلمی، ۱۴۰۸، ۲۷۸)

۴. پیروی از تکانه حسادت

یکی از دیگر زشت‌ترین رذایل نفسانی انسان که در حوزه اخلاق فردی و اجتماعی بازتاب‌ها و واکنش‌های متضاد و خطرسازی را می‌آفریند، حسد است. از این روی قرآن کریم آشکارا در آیاتی، انسان‌ها را به پیامدهای این مسأله توجه داده و با بیان مصادیق عینی و تأثیرات زیانبار آن، انسان‌ها را به تلاش و تکاپو برای رهایی از این رذیلت اخلاقی و نابهنجاری زشت، واداشته است (فلق/ ۵-۱)؛ زیرا خطر حسادت به هنگام اقدام عملی حسود، شدیدتر ارزیابی می‌گردد؛ چون هنگامی که شخص، حسادت را به عنوان یک واکنش روانی و روحی در خود پدید می‌آورد، تنها آرزوی زوال نعمتی از دیگری را دارد ولی هرگاه از این فراتر رود و خود مستقیم بکوشد تا نعمتی را از شخص زائل کند و یا از میان بردارد، در این هنگام است که رفتارهای خطرناک و نابهنجاری‌های رفتاری را بروز می‌دهد. از نابهنجاری‌های اجتماعی که خاستگاه آن حسادت است، می‌توان به رفتارهای خطرناک و خطرناکی چون کشتن دیگری از سوی فرد حسود اشاره کرد. از این روی قرآن کریم با بیان دو رویداد تاریخی، (رفتار خطرناک قابیل فرزند حضرت آدم (ع) و برادران حضرت یوسف (ع)) آن‌ها را به حسادت نسبت می‌دهد؛ زیرا کینه و حسادت مخفی و نهان این دو گروه هر چند که در ظاهر، خاستگاه‌های مختلفی دارد ولی ریشه آن‌ها در احساس برتری و مورد عنایت قرار نگرفتن است. (مائده/ ۳۰-۲۷ و یوسف/ ۸-۵) در روایات معصومین (ع) هم، چنین رذیله‌ای نکوهش شده است و آن را اساس کفر و زائل کننده ایمان برشمرده‌اند. (خرّعاملی، ۱۴۱۴، ۱۵/۳۶۶)

۵. پیروی از تکانه‌ی شهوات جنسی

از دیگر عوامل مستعد کننده درونی ارتکاب بزه، لذت‌گرایی جنسی است. تعیین مجازات‌های سنگین برای بزه‌های جنسی؛ چون شلاق (نور/ ۲) و اعدام (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ۲/ ۴۶۳؛ طوسی، ۱۳۹۰، ۴/ ۲۰۲) بیان‌گر پیامدهای زیانبار چنین اعمالی است که فرو

ریختن بنیان‌های اخلاق فردی و اجتماعی را در پی دارد. به گونه‌ای که قرآن کریم بزه-کاران جنسی را سزاوار پیوند زناشویی با یکدیگر دانسته است (نور/۳) چنین رویکردی، چه از روی بیان یک واقعیت عینی باشد - به این معنا که آلودگان همیشه دنبال آلودگان می‌روند، و افراد پاک و باایمان هرگز تن به چنین آلودگی‌ها و انتخاب همسران آلوده نمی‌دهند- و چه از روی بیان یک حکم شرعی والهی باشد- بدین معنا که مسلمانان رابه جهت آن که بیماری‌های اخلاقی همچون بیماریهای جسمی بطور غالب واگیردار است، از ازدواج با افراد زناکار بازداشته است- به پرورش فرزندان در چنین دامان‌های لکه‌دار و مشکوک می‌انجامد که سرنوشت مبهمی دارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۶۲/۱۴) پیامد ناگوار و هولناک پیروی از این رذیله اخلاقی تا بدانجاست، که عذاب الهی به صورت هلاکت گروهی را بر پیشینیان فرود آورده است. (نمل/۵۹-۵۶)

۳. چگونگی پیشگیری از مهم‌ترین تکانه‌های فردی بزه‌کاری از دیدگاه قرآن و روایت

پس از شناخت پاره‌ای از اهم تکانه‌های فردی بزه‌کاری، ارائه راهکارها و بازشناسی اهرم‌های مهار آن‌ها امر دشواری نیست. در این راستا اهتمام قرآن بیش از اصلاح، معطوف به پیشگیری است. درست به همین جهت، پیش از هر چیز به عوامل پیدایش و زمینه‌های جرم و گناه توجه داده است و برای رویارویی واقع‌بینانه با آن‌ها، چاره‌اندیشی نموده است. در این زمینه شاید مهم‌ترین و پربرترین بخش از تأکیدات قرآنی و دینی، بر این بُعد باشد؛ به گونه‌ای که برخی اندیشمندان غربی، پایندی به ارزش‌ها و باورهای دینی را سبب مسلح نمودن انسان به فلسفه حیات و روشن‌بخشی به عقل وی برشمرده و نقش دین را برای راهنمایی بشر در دریای زندگی، همچون قطب‌نما برای کشتی‌توصیف نموده‌اند؛ زیرا که تأکید دین بر اراده انسان و تقویت آن استتا به فرمان

عقل، گردن نهد و از این ره‌گذر نیازهای اساسی روح، به‌ویژه نیاز به عشق و جاودانگی تحقق یابد و این یاری رساندن‌ها به انسان، آرامش روح، سازگاری معنوی و قدرت مقاومت در برابر خطرات را در نهاد او به وجود آورد(الستون^۱ و همکاران، ۱۳۷۶، ۶۲؛ خدایاری فرد، ۱۳۸۰، ۵۳-۴۵).

بر این اساس، باور نمودن زندگی پس از مرگ و بازگشت به سوی خداوند و دیدن پیامد اعمال و رفتاری که در حیات مادی از انسان سر زده است، یکی از مؤثرترین اعتقادات و باورهای دینی پیشگیرانه است (انعام/۲۴؛ لقمان/۳۳؛ غافر/۴۰؛ نجم/۳۱). پس، باور به مبدأ و معاد و تبیین فلسفه حیات و هدف از آفرینش، انسان را در راه راست قرار می‌دهد و از هر گونه لغزش و انحراف، حفظ می‌کند که در پی به شرح چگونگی این رویارویی می‌پردازیم.

۱-۳. برخی راه‌کارهای پیش‌گیری از تکانه نفس اماره و هوا و هوس

از دیدگاه قرآن و روایت، لازمه درمان این نوع ریشه فردی بزه‌کاری که از آن به اسب سرکش یاد می‌کنند، دانش درمانی و تقویت باورهای دینی و اخلاقی است؛ زیرا که بیماری‌ها، شوربختی‌ها و شقاوت‌مندی انسان ریشه در نادانی و بی‌خبری او دارد. پس درمان بخشی از بیماری‌های نفسانی انسان از راه دانش و آگاهی او میسر است. بر این اساس، دانش درمانی، اصلی‌ترین روشی است که اسلام بر پایه ماهیت وجودی انسان پیشنهاد نموده است تا با استفاده از همین روش به مرحله عمل درمانی (باور کردن و اجرای برنامه‌های دینی برای رسیدن به سعادت و کمال حیات جاودان آخرت، در یک کلام تهذیب نفس) برسد و راه بزه‌کاری در اثر غلبه هوا و هوس را بر خود ناهموار و بسته نگاه دارد. از این‌رو قرآن پناه بردن به خدا و یاد او را یکی از راه‌های پیش‌گیری از

^۱ - Alston.

افتادن به دام هوا و هوس برشمرده است (اعراف/۲۰۰). راه دیگر مبارزه با وسوسه‌ها و غلبه هوا و هوس، ترک فکر گناه از راه ترک زمینه گناه است؛ زیرا که هر چه بیش‌تر و دقیق‌تر زمینه گناه ترک شود، فکر گناه نیز کمتر گریبان انسان را می‌گیرد. چرا که با فکر گناه، شوق آن و سپس، اراده گناه در انسان ایجاد می‌شود و دست آخر خود گناه محقق می‌گردد. از این رو در روایت، یاد مرگ در هم کوبنده زمینه‌های غلبه هوا و هوس برشمرده شده است (راوندی، ۱۴۰۶، ۴۳۵/۱) چرا که یاد مرگ و عجین شدن آن با روح و جان، دل را از تعلق به هوا و هوس دور می‌سازد و انسان را از گناه و فکر گناه باز می‌دارد. در این راستا بسیار مهم است این فکر هر روز و مستدام باشد؛ هر چند روزی نیم‌ساعت و در مکانی خلوت به ویژه قبرستان تا چنین رفتاری مؤثر واقع گردد.

شرکت در مراسم مذهبی؛ مانند: دعا، نماز جماعت، مجالس سخنرانی و موعظه و یا ذکر زندگی، سیره، مدح و مصائب و زیارت اهل بیت (ع)، و قرائت قرآن به صورت مداوم در هر روز و مانند آن، نورانیتی را در انسان پدید می‌آورد که باعث می‌شود آدمی از تاریکی گناه بگریزد و به آسانی به سمت آن نرود.

۲-۳. برخی راه‌کارهای پیش‌گیری از پیروی از تکانه‌های غریز ناپسند

راه‌کارهای ذکر شده در زیر تنها راه‌کارهای پیش‌گیری از تکانه‌های فردی بزه‌کاری نیستند؛ بلکه پاره‌ای از راه‌کارهای پیش‌گیری به شمار می‌آیند و به طور قطع راه‌کارهای دیگری نیز هستند که ذکر همه آنها از حوصله این نوشتار خارج است.

۱. برخی از راه‌کارهای پیش‌گیری از تکانه‌های خشم

پیش‌گیری از این نوع ریشه فردی بزه‌کاری که سبب تسخیر شدن انسان در دست شیطان می‌گردد، در گرو بالا رفتن آگاهی و شناخت انسان‌ها از حالات نفسانی و روانی خودشان از یک سو و تقویت باورهای دینی و رعایت دستورهای اخلاقی از سوی دیگر است تا با پشتوانه آنها از گرفتار شدن در ورطه پیامدهای بد و ناخواسته خشم و

عصبانیت رهایی یابد. بر این اساس لازم است افرادی که آستانه تحملشان پائین است و زود گرفتار چنین وضعیتی می‌شوند، بنا به توصیه قرآن کریم با متوسل شدن به ذکر خداوند (رعد/۲۸) و با ترک صحنه‌ای که موجبات خشم او را فراهم نموده است و یا ایجاد تغییراتی در حالت فیزیکی خود (دراز شدن، نشستن و یا برخاستن) سعی در دور نمودن خشم از وجود خود نماید و بنا به توصیه پیامبر اکرم (ص) که خشم را ابزار شیطان و شیطان را از جنس آتش برشمرده‌اند که آب چنین آتشی را خاموش می‌نماید (پاینده، ۱۳۶۰، ۱۳۲). انسان خشمگین می‌تواند با وضو گرفتن و غسل نمودن در هنگام دست دادن خشم و غضب، خود را از گرفتار شدن به پیامدهای خشم که گاهی به ارتکاب قتل هم می‌انجامد، رهایی بخشد.

۲. برخی راه‌کارهای پیشگیری از تکانه طمع

اصلی‌ترین پادزهر برای پیش‌گیری از ریشه فردی بزه‌کاری طمع، پایبندی افراد به فرهنگ قناعت و ساده زیستیو تقوای معیشت خانه و خانواده است، تا انسان‌ها بتوانند با درونی سازی و نهادینه ساختن این فضیلت از پیامدهای آلودگی به آن در امان بمانند و آسایش دیگران نیز از این رهگذر تأمین گردد. اما لازمه چنین تعهدی بالا بردن و تقویت دانش افراد نسبت به فلسفه وجودی متعلقات انسان (پست و جاه، موقعیت، دارایی و...) است؛ به این معنا که داشتن آن‌ها برای تأمین آرامش و بهتر شدن زندگی و در نهایت خدمت به خلاق است، نه آن که این متعلقات به هر روشی و از هر راهی برای فخر فروشی، زیاده‌طلبی و بهره‌کشی و دیگر ناهنجاری‌های رفتاری در اختیار گرفته شود. از این رو، قرآن کریم (احزاب/۳۲ و مدثر/۱۶-۱۲) و نیز کلام معصوم (ع) (نوری، ۱۴۰۸، ۷۰/۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۹، ۲۷/۱۰۰) در مقام توجه دادن انسان‌ها به پیامدهای تلخ این نوع ریشه بزه‌کاری فردی برآمده‌اند تا آن‌ها را به انتخاب سبک زندگی درست و توأم

با قناعت و ساده‌زیستی رهنمون سازند که به کج راهه طمع و آثار شوم آن گرفتار نشوند.

۳. برخی راه پیشگیری از تکانه مال پرستی

از دیدگاه اسلام، علاقه به مال، یک امری غریزی است و ریشه در وجود انسان دارد؛ به گونه‌ای که کسب و کار و فعالیت سالم، پاداشی بزرگ دارد و ثروت حلالی که انسان پس از خود به جای می‌گذارد، نام خیر برای او به همراه دارد (بقره/ ۱۸). با این حال، اسلام از دنیا پرستی و دنیاگرایی، به شکلی که ثروت از حالت وسیله، خارج و به صورت هدف درآید، جلوگیری کرده و دنیاخواهی را اساس هر کار خطا و زشت دانسته است.

رذیله مال پرستی همچون دیگر ابعاد فردی پیش گفته در حالت افراط، خطرناک خواهد شد و انسان را به سمت و سویزه‌کاری و ارتکاب رفتارهایی چون سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس و ... خواهد کشاند. از این رو، لازم است تا برای خشکاندن یا کمینه، کم اثر نمودن فرجام بسیار بد این تکانه بزه‌کاری که در پیام قرآن کریم (توبه/ ۳۴؛ آل عمران/ ۷۷ و قصص/ ۸۲-۷۸) و نیز کلام معصوم (ع) (فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ۷/ ۳۲۸؛ محمدی ری‌شهری، بی‌تا، ۴/ ۲۹۸۳) به خوبی تبیین گردیده است، آگاهی و شناخت افراد را به اندازه کافی نسبت به درستی و نادرستی منشأ و چگونگی کسب مال و هزینه کردن آن (اسراف، تبذیر و تضییع مال) بالا برد تا کم‌تر شاهد حیف و میل و فخر فروشی و طرح شکایات از دست یازیدن نامشروع به اموال و دارایی دیگران از سوی مبتلایان به این رذیله باشیم.

۴. برخی راه‌کارهای پیش‌گیری از تکانه حسادت

از دیدگاه قرآن کریم یکی از راه‌های پیش‌گیری از پیدایش غریزه حسادت و از بین بردن زمینه شعله‌ور شدن آن، کتمان است و این راه‌کار مناسب در توصیه یعقوب نبی

به یوسف پیامبر(ص) در خودداری از بیان رؤیایش آشکار می‌گردد(یوسف/۵-۴). بر این اساس، یکی از موارد مهم در مانحسادت، از بین بردن زمینه‌های بی‌ایست که به تقویت شعله‌ور شدن حسادت می‌انجامد. پس برای جلوگیری و تحریک حسادت، لازم است تا از بازگو کردن برخی فضیلت‌های خود نسبت به دیگران یا انجام برخی رفتارها مانند: مورد توجه بیش‌تر قرار دادن یکی از فرزندان نسبت به دیگران پرهیز نمود تا آتش حسادت خاموش بماند. در روایت نیز چنین رویکردی برای پیش‌گیری از پیدایش حسد، به چشم می‌خورد. پیامبر اکرم(ص) به جهت آن که خداوندگاران نعمت مورد حسادتند رازداری و نهان‌کاری در امور را وسیله یاری مردم بر شمرده‌اند.

آگاهی بخشی به مردم و تقویت باورهای دینی و اخلاقی آن‌ها به شرح زیر، نیز راه-کارهای مناسبی برای پیش‌گیری از شعله‌ور شدن حسادت به شمار می‌روند:

- پذیرش قضا و قدر الهی پیرامون تعیین اندازه رزق و روزی انسان‌ها.
- تلاش برای پرورش توانمندی‌های خود به جای تقویت حس حسادت در خود، به مصداق کلام وحی (نجم/۳۹).
- پرهیز از ارزش انداختن دیگران و تبرئه خویش با مقصر شناختن دیگران.
- تقویت یاد مرگ‌گهسبب خشکاندن یا کمینه ضعیف کردن ریشه این گناه از دل می‌گردد.

۵. برخی راه‌کارهای پیش‌گیری از تکانه شهوت جنسی

بی‌تردید اگر خداوند، غریزه جنسی را در انسان قرار داده، قدرت و توان مقابله با گناه را نیز در وجود وی قرار داده است. بنابراین هر انسانی باید با عزم و همتی سترگ به مبارزه با گناه برخیزد و همواره کوشش کند که برای اولین بار که میل به گناه آمد با جدیت تمام در برابر آن مقاومت کند تا به مرور، مبارزه با آن آسان گردد. قرآن کریم

برای پیش‌گیری از شهوت جنسی به عنوان یکی از پر جاذبه‌ترین تکانه‌های فردی بزه- کاری، راه‌کارهایی گونه‌گون به عنوان وظایف مسلمین ارائه داده است.

یکی از این راه‌کارهای پیش‌گیرانه از دیدگاه قرآن که بر پایه شناخت و آگاهی انسان نسبت به فلسفه زندگی و دین‌باوری نهفته است، دوری از گناه و مقابله با تحریکات شهوانی است تا از این ره‌گذر انسان‌ها بتوانند خود را از پیامدهای شوم و شهوت جنسی رهایی بخشند. از همین روی از زنان و مردان با ایمان خواسته شده است، چشم خود را بر محرماتی که آنان را به ورطه شهوت می‌کشاند، بپوشانند و چشم‌چرانی نکنند و عورات خود را از محرماتی که برقراری رابطه نامشروع جنسی می‌انجامد، حفظ نمایند. (نور/۳۱) در کلام معصوم (ع) زنای چشم نگاه نامشروع و چشم‌چرانی دانسته شده و نگاه به نامحرم تیری از تیرهای مسموم شیطان برشمرده است که چه بسا یک چنین نگاهی حسرتی طولانی برجای گذارد. (مجلسی، ۱۴۰۹، ۴۰/۷) قرآن در راه‌کاری دیگر دستور به پاکدامنی و عفاف می‌دهد و رعایت حجاب را برای پیش‌گیری از اذیت و آزار بیمار دلان تجویز می‌نماید (نور/۳۳ و احزاب/۵۹). از دیگر راه‌کارهای پیش‌گیرانه، انجام تکلیف شرعی و طبیعی ازدواج است؛ زیرا ازدواج از آن‌جا بر انسان واجب می‌گردد که شخص به دلیل نداشتن همسر، به حرام و گناه می‌افتد. اهمیت این موضوع تا به آن- جاست که حضرت حق می‌فرماید فقر و تنگدستی و ترس از وضعیت اقتصادی و ... هم نباید مانع انجام چنین واجبی گردد (نور/۳۲).

۴. نتیجه‌گیری

آنچه به عنوان اندیشه‌های جرم‌شناختی دینی مطرح است، در چهارچوب منابع اسلامی، آرا و فتاوی معتبر علما و اندیشمندان دینی، قابل مطالعه است که با مراجعه به زمینه‌های مزبور، به طور قطع اندیشه‌ها و دیدگاه‌های جالب و تأمل برانگیزی درباره علل مختلف پیدایش جرم و شیوه مقابله با آن، شناسایی می‌شود. در حقوق کیفری اسلام، بویژه فقه شیعه، تعلیمات و اندیشه‌های خاص و برجسته‌ای در این زمینه وجود دارد.^۱ کسانی که ادعا دارند سیاست جنایی اسلام، صرفاً کیفری است، با مطالعه این اندیشه‌ها و زمینه‌ها، تصدیق خواهند کرد که علاوه بر تدابیر کیفری، برنامه‌های علمی و عملی مؤثری برای رویارویی با پدیده‌ها و تکانه‌های مجرمانه در اسلام وجود دارد. تعالیم اخلاقی از قبیل فضائل و رذایل اخلاقی، ضرورت اصلاح و درمان و تزکیه نفوس بشری، امر به معروف و نهی از منکر، تعاون بر خیر و احسان، تهذیب و توبه، عفو، عبرت و غیره، نمونه‌هایی از این جنبه‌هاست؛ زیرا باورهای دینی با معنا بخشیدن به زندگی انسان، او را از احساس بی‌هویتی و پوچی در زندگی که می‌تواند منشأ گسستگی از ارزش‌های انسانی باشد، دور می‌کند و با امید بخشیدن به انسان، او را در برابر ناملایمات و سختی‌های زندگی، مقاوم و استوار می‌نماید. بر این اساس برای پیش‌گیری از بُعد فردی بزه‌کاری یعنی بزه‌کاری‌هایی که ریشه آن‌ها در وجود افراد و تکانه‌های درونی آن‌هاست، لازم است تا با تقویت و گسترش دین باوری و پاسخ‌گویی به کردار و گفتار خود در زندگی اخروی به رویارویی با جنبه‌های افراطی موارد پیش گفته رفت و آن‌ها را مهار ساخت. البته اراده قوی و همت عالی و استقامت در راه

۱. جهت اطلاع بیشتر رک به: جعفر، رشادتی (۱۳۸۷)، پیشگیری از جرم در قرآن، چ اول، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی ناجا.

هدف و نه‌راسیدن از مشکلات و پافشاری و ادامه‌عمل خیر و عبادت و توجه به خداوند و احساس حضور او، شرط بهره بردن از این دستورات نورانی و رسیدن به نتایج خوب و شیرین خودسازی و نجات از فشار غریزه و گمراهی است؛ زیرا معنویت برخواسته از معارف دین، نورانیتی را در دل انسان پدید می‌آورد که موجب می‌شود انسان زشتی گناه و پیروی از غرایز حیوانی را ببیند و دنبال گناه و ارضا غرایز از طریق نامشروع نرود.

منابع

* قرآن کریم

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، چ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. ارفع، سیدکاظم (۱۳۷۹)، ترجمه روان نهج البلاغه، چ اول، تهران، نشر تربت.
۳. الستون، ویلیام و یینگر، میلتون و لگنهاوزن، محمد (۱۳۷۶)، دین و چشم اندازه‌های نو، ترجمه غلامحسین توکلی، چ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. انصاریان، حسین (۱۳۸۶)، عرفان اسلامی شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، تحقیق محسن فیض‌پور و محمد جواد صابریان، ج ۱۰، چ اول، قم، دارالعرفان.
۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۰)، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم(ص)؛ نهج الفصاحه، چ سیزدهم، تهران، انتشارات جاویدان.
۶. رُعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه، ج ۱۵، چ دوم، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
۷. خدایاری فرد، محمد (۱۳۸۰)، گستره پژوهش‌های روان‌شناختی در حوزه دین، فصلنامه روانپزشکی، روانشناسی بالینی و بهداشت روان، سال ششم، شماره ۴ (پیاپی ۲۴)، صص ۵۳-۴۵.
۸. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، چ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۹. راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۶)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تحقیق سیدعبدلطیف کوه-کمری، چ اول، قم، کتابخانه عمومی آیت‌اله مرعشی.
۱۰. شیخی، حمیدرضا (۱۳۸۶)، ترجمه میزان الحکمه، ج ۱۴، چ هفتم، قم، دارالحدیث.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۲، چ پنجم، قم، دفترانتشارات اسلامی ۲.
۱۲. طوسی، محمد (۱۳۹۰)، الإستبصار، ج ۴، چ اول، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۳. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۸۷)، المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۷، چ اول، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.

